

مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز
دوره‌ی هشتم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، پیاپی ۷۱/۳، صفحه‌های ۶۵-۹۱
(مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی پیشین)

بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی تصدی و تغییر حسابرس با کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس مدل کاسنیک

دکتر پرویز پیری* سمانه برزگری صدقیانی**

دانشگاه ارومیه

چکیده

امروز یکی از مسائل مهم در حوزه‌ی حسابرسی، کیفیت حسابرسی است. از سوی دیگر کیفیت سود نیز همواره مدنظر تحلیل‌گران اطلاعات مالی و بازار قرار دارد. هدف این مقاله بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی تصدی و تغییر حسابرس با کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس مدل کاسنیک است. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بوده و اطلاعات ۸۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۳ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد افزایش دوره‌ی تصدی حسابرس بر میزان اقلام تعهدی می‌افزاید و در نتیجه از کیفیت سود کاسته می‌شود، درحالی‌که با افزایش میزان تغییر حسابرس از میزان اقلام تعهدی کاسته شده و بر میزان کیفیت سود افزوده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تغییر حسابرس، چرخش مؤسسات حسابرسی، دوره‌ی تصدی حسابرس، کیفیت سود.

* دانشیار گروه حسابداری (نویسنده مسئول) p.piri@urmia.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۷

۱. مقدمه

مدیریت واحد انتفاعی خواسته یا ناخواسته ممکن است با دست‌کاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش‌شده در صورت‌های مالی مغایرت داشته و رویدادی تحت عنوان مدیریت سود رخ داده است (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰). اطلاعات مالی شفاف و عینی که محصول وجود یک سیستم گزارش‌گیری تأییدشده و قابل‌اتکا است از ارکان اصلی ارزیابی وضعیت و عملکرد یک شرکت و تصمیم‌گیری از سوی استفاده‌کنندگان این گزارش‌ها است. از منظر حرفه‌ای اطلاعاتی قابل‌اتکا تلقی می‌شود که سازمانی مستقل بر فرآیند تهیه‌ی آن نظارت نماید و گواهی آن را انجام دهد. بارزترین سازمان حرفه‌ای مستقل، مؤسسات حسابرسی هستند که از طریق وظیفه‌ی اعتباردهی بر صحت خروجی (گزارش‌های) مالی شرکت‌ها گواهی می‌دهند. بدیهی است با توجه به جایگاه و نقش مؤسسات حسابرسی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، استقلال (واقعی و ظاهری) حسابرس و شایستگی مؤسسات حسابرسی به‌عنوان عوامل کلیدی در تهیه‌ی گزارش‌های حسابرسی قلمداد می‌شود. لذا برای افزایش شایستگی و حفظ استقلال مؤسسات حسابرسی، راهکارهای مختلفی از سوی مراجع حرفه‌ای و صاحب‌نظران در این حرفه ارائه‌شده که یکی از پیشنهادهای حرفه‌ای، چرخش منظم مؤسسات حسابرسی است.

در سال‌های اخیر پدیده‌ی چرخش مؤسسات حسابرسی به زمینه‌ی مهمی در تحقیقات و مباحث حرفه‌ای تبدیل‌شده است تا پس از مشخص شدن تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر شایستگی و استقلال و در نتیجه کیفیت حسابرسی، قوانینی را برای چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی توسط واحدهای انتفاعی تدوین کنند.

توجه به کیفیت حسابرسی و اتخاذ راهبردهایی برای ارتقای آن به‌عنوان یکی از عوامل مهم برای قابلیت اتکا به گزارش‌های مالی تهیه‌شده از سوی شرکت‌ها، همواره از مباحث مهم و بحث‌انگیز حوزه‌ی حسابرسی بوده است. تبصره‌ی ۲ بند ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران که در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۶ به تصویب شورای عالی بورس و اوراق بهادار رسید، چرخش مؤسسات حسابرسی را در فاصله‌ی زمانی چهارساله الزامی کرده است. لذا با توجه به پررنگ شدن نقش نظارتی سازمان بورس اوراق بهادار در بازار سرمایه،

توجه بیش‌تر به گزارش حسابرسان و حمایت از اعتباردهندگان در سرلوحه‌ی اهداف سازمان بورس اوراق بهادار (ایفای نقش نظارتی و ارتباط با حسابرسان در مدیریت بازار سرمایه) قرار گرفته است. همچنین در محافل حرفه‌ای توجه به کیفیت حسابرسی و اهمیت آن در اعتباردهی گزارش‌های مالی شرکت‌ها از مباحث مهم و مدنظر مدیران بازارهای مالی بوده که تحقیقات زیادی در این زمینه به انجام رسیده است؛ اما برخلاف این‌که انتظار می‌رود بین دوره‌ی تصدی حسابرس و کیفیت سود شرکت ارتباط چشم‌گیری وجود داشته باشد، هیچ پژوهشی در این زمینه انجام نشده است. از این‌رو با توجه به مباحث مطرح‌شده، در پژوهش حاضر سعی شده که اثر برقراری دستورالعمل بورس و به‌طور کلی بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت سود که یکی از عامل‌های ارزیابی‌کنندگی استفاده‌کنندگان برای گرفتن تصمیمات سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه است، مورد بررسی قرار گیرد.

بنابراین سؤال اساسی پژوهش حاضر عبارت است از این‌که چه ارتباطی بین دوره‌ی تصدی و تغییر حسابرس با کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد؟

۲. مبانی نظری پژوهش

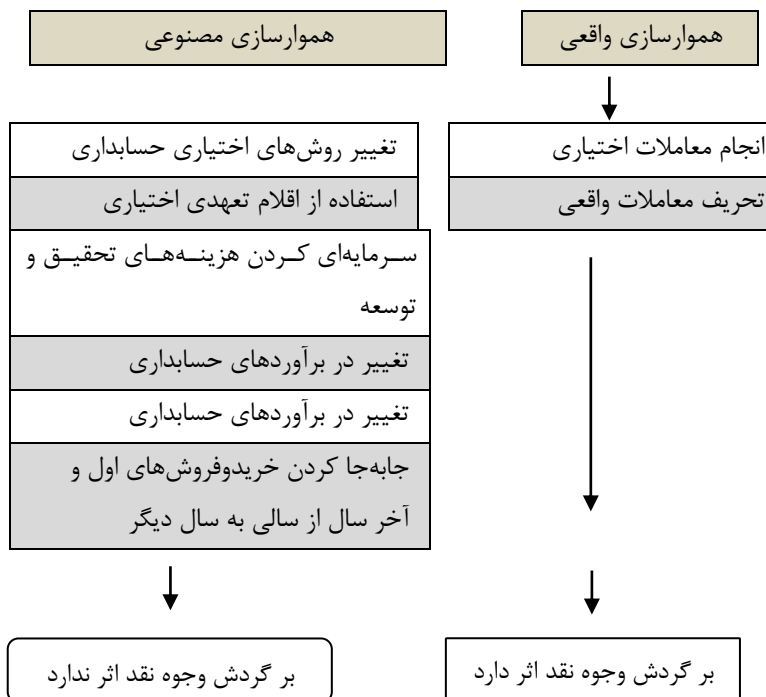
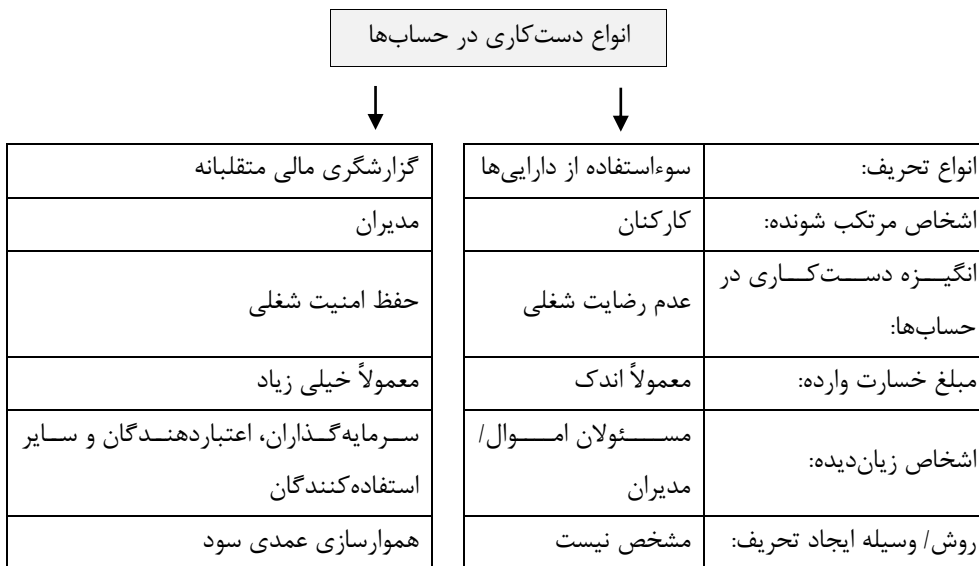
از اساسی‌ترین عناصر صورت‌های مالی، سود حسابداری است که همواره مورد توجه قرار گرفته است و از آن به‌عنوان معیاری برای ارزیابی تداوم فعالیت، کارایی و بازنگری ساختار قراردادهای نمایندگان واحد اقتصادی یاد می‌شود. شواهد نشان‌دهنده سود حسابداری شاخص خوبی برای بازده سهام و پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی است؛ اما به دلیل استفاده از محدودیت‌های محافظه‌کارانه و اهمیت در تعیین آن، برخی از تحلیل‌گران به این نتیجه رسیدند که سود اقتصادی نسبت به سود حسابداری شاخص به‌تری برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی است.

سود اقتصادی نیز اولین بار توسط آدام اسمیت تعریف شد و سپس این تعریف توسط هیکس (۱۹۳۹) بسط داده شد. او سود را مبلغی تعریف کرد که شخص می‌تواند طی یک دوره مصرف کند و در آخر دوره دارای همان رفاهی باشد که در اول دوره داشته است. نظریه‌ی

کیفیت سود برای اولین بار توسط تحلیل‌گران مالی و کارگزاران بورس مطرح شد، زیرا آنان احساس می‌کردند سود گزارش‌شده قدرت سود را آن‌چنان‌که در ذهن مجسم می‌شود، نشان نمی‌دهد. آنان دریافتند که پیش‌بینی سودهای آینده بر مبنای نتایج گزارش‌شده، کار مشکلی است. افزون‌براین تحلیل‌گران فهمیدند که تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی شرکت‌ها به دلیل نقاط ضعف متعدد در اندازه‌گیری اطلاعات حسابداری کار مشکلی است. سؤال اساسی این است که چرا تحلیل‌گران مالی در ارزیابی خود از سود خالص گزارش‌شده و یا سود هر سهم شرکت (بدون تعدیل) استفاده نمی‌کنند و جانب احتیاط را رعایت می‌کند (بارکر، ۲۰۱۰). پاسخ این است که در تعیین ارزش شرکت نه‌تنها به کمیت سود، بلکه باید به کیفیت آن نیز توجه شود. منظور از کیفیت سود، زمینه‌ی بالقوه‌ی رشد سود و میزان احتمال تحقق سودهای آتی است. به بیان دیگر ارزش یک سهم تنها به سود هر سهم سال جاری شرکت بستگی ندارد، بلکه به انتظار از آینده‌ی شرکت و قدرت سودآوری سال‌های آینده و ضریب اطمینان نسبت به آن بستگی دارد (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۴).

گاهی اوقات مدیریت بنگاه اقتصادی از انتخاب‌های حسابداری برای دست‌کاری سودها و گمراه کردن کاربران بهره می‌گیرد. همچنین مدیران ممکن است عناصر سودها را برای به‌تر از واقع نشان دادن وضعیت بنگاه اقتصادی دست‌کاری کنند و با این کار کیفیت سود گزارش‌شده را به حداقل می‌رسانند؛ زیرا کسانی که برای تصمیم‌گیری‌های خود به سودهای مزبور اتکا می‌کنند، دچار اشتباه شده و تحلیل‌گران مالی نیز نمی‌توانند پیش‌بینی صحیحی از توان سودآوری بنگاه اقتصادی در آینده انجام دهند.

استولی و بریتون در سال ۲۰۰۴ چارچوبی برای طبقه‌بندی انواع دست‌کاری در حساب‌ها ارائه کرده‌اند که نمودار شماره‌ی ۱ چارچوب یادشده را نمایش می‌دهد. چارچوب یادشده بر این اصل بنیادی بنا نهاده شده است که اطلاعات مالی تأثیر عمده‌ای بر کاهش هزینه‌های تأمین مالی شرکت دارند. این کاهش منوط به بهبود تصور سرمایه‌گذاران از ریسک شرکت است.



شکل ۱: طبقه‌بندی انواع دست‌کاری در حساب‌ها (استولی و بریتون، ۲۰۰۴)

کیفیت سود را می‌توان به سه دسته‌ی پایداری سود، سطوح ارقام تعهدی و سود منعکس‌کننده‌ی معاملات اقتصادی مربوط، تقسیم کرد. پایداری سود به معنی تکرارپذیری (استمرار) سود جاری است. هر چه پایداری سود بیش‌تر باشد، یعنی شرکت توان بیش‌تری برای حفظ سودهای جاری دارد و فرض می‌شود کیفیت سود شرکت نیز بالاتر است. سطوح ارقام تعهدی نیز با کیفیت سود رابطه‌ی معکوس دارد، زیرا هر چه میزان ارقام تعهدی سود بیش‌تر باشد، کیفیت سود شرکت کاهش می‌یابد. همچنین هر چه سود حسابداری که گزارش می‌شود منعکس‌کننده‌ی معاملات واقعی اقتصادی موجود باشد به همان اندازه کیفیت سود نیز افزایش می‌یابد (مک نیچالس، ۲۰۰۲). حسابرسی به‌عنوان بخشی از نظام راهبری شرکت، می‌تواند نقش مهمی در اعتباربخشی و حصول اطمینان از کیفیت اطلاعات ارائه‌شده توسط مدیریت به بازار سرمایه داشته باشد. حسابرسی به‌عنوان مکانیسم نظارتی می‌تواند باعث بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری و از جمله سود حسابداری از طریق به حداقل رسانیدن تفاوت بین وقایع اقتصادی گزارش‌شده و شرایط اقتصادی موجود در واحد تجاری که برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی غیرقابل مشاهده است، شود. به‌طور مشخص حسابرسی با کیفیت از طریق کاهش میزان خطای (سهوی و عمدی) موجود در اطلاعات حسابداری باعث افزایش قابلیت اطمینان گزارش‌های مالی می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان داده است، حسابرسی با کیفیت بیش‌تر، موجب کاهش مدیریت سود شود همچنین باعث کاهش میزان خطای اندازه‌گیری سهوی مدیریت در سنجش سود شود (بهمن و همکاران، ۲۰۰۸). چگونگی تأثیر طول دوره‌ی تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در ادبیات و پژوهش‌های حسابرسی به میزان زیادی مورد بحث و توجه قرار گرفته و با نتایج کاملاً متفاوت در قالب دو نظریه زیر ارائه‌شده است:

الف) فرضیه‌ی تخصص حسابرسی^۱

ب) فرضیه‌ی استقلال حسابرسی^۲

فرضیه‌ی تخصص حسابرسی بر این باور است که با افزایش طول دوره‌ی تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد. برعکس، فرضیه‌ی استقلال معتقد به کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره‌ی تصدی حسابرسی است. بر اساس فرضیه‌ی تخصص حسابرسی، توانایی حسابرسی در کشف ارائه‌ی نادرست اقلام در صورت‌های مالی تهیه‌شده توسط

مدیریت تحت تأثیر دانش خاص حسابرس از صاحب کار است که این دانش در طی سنوات اولیه‌ی حسابرسی و به تدریج برای حسابرس به وجود می‌آید.

این فرضیه بر اساس عدم تقارن اطلاعاتی که بین حسابرس و صاحب کار در سال‌های اولیه‌ی دوره‌ی تصدی استوار است، طی زمان و با کسب شناخت حسابرس از محیط واحد تجاری برطرف می‌شود. این فرایند تدریجی شناخت واحد مورد رسیدگی در طی زمان باعث ایجاد یک مزیت رقابتی برای حسابرس در کشف موارد ایراد مندرج در صورت‌های مالی می‌شود. فقدان چنین شناختی برای حسابرس در سال‌های اولیه‌ی تصدی حسابرسی صاحب کار ممکن است منجر به تأثیر منفی روی کیفیت حسابرسی شود. در نتیجه با گذشت زمان و با افزایش شناخت حسابرسان از محیط واحد تجاری و ریسک‌های مرتبط با آن، آن‌ها به میزان کم‌تری بر برآوردهای مدیریت اتکا کرده، با استقلال بیش‌تر از مدیریت صاحب کار، قادر به افزایش کیفیت حسابرسی خواهند بود (عزیزخانی و صفروندی، ۱۳۹۱).

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی چگونگی تأثیر طول دوره‌ی تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی، شواهد مختلفی را برای هر دو نظریه فراهم آورده است. برخی از محققان مانند (دیویس و همکاران، ۲۰۰۹) و (مایرز و همکاران، ۲۰۰۳) نشان دادند که کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره‌ی تصدی حسابرسی کاهش می‌یابد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌های با دوره‌ی تصدی حسابرسی بلندمدت، احتمال بیش‌تری برای مدیریت بیش از واقع سود و انحراف سود وجود دارد. سجادی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر تداوم حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداختند و نشان دادند که تداوم حسابرسی تأثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی ندارد. این درحالی است که برخی تحقیقات با توجه به تعریف مجزا از کیفیت حسابرسی نتایج عکس را گزارش می‌کنند. از جمله پورحیدری و بدری (۱۳۹۲) به بررسی ارتباط بین چرخش مؤسسات و شریک حسابرس با کیفیت حسابرسی و تعدیلات سنواتی پرداخته و نشان دادند چرخش مؤسسه‌ی حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. از سوی دیگر نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیش‌تر ناکامی‌های حسابرسان در کشف یا گزارش موارد ایراد صورت‌های مالی طی سال‌های اولیه‌ی تصدی حسابرسی (دوره تصدی کوتاه‌مدت) روی داده است (گول و همکاران، ۲۰۰۹) (مانسی و همکاران، ۲۰۰۴). برخی

از پژوهشگران نیز اثر اندازه را از معیارهای ارزیابی کیفیت حسابداری بررسی کرده و نشان دادند اندازهی مؤسسه‌ی حسابداری ارتباط مثبت و معنی‌داری با سیاست تقسیم سود شرکت‌ها و کیفیت سود دارد (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۲).

نتایج متفاوت و متعارض پژوهش‌های قبلی درباره‌ی تأثیر طول دوره‌ی تصدی حسابداری بر کیفیت حسابداری ممکن است ناشی از مشخصه‌های شیوه‌ی اندازه‌گیری کیفیت حسابداری باشد که احتمال وجود رابطه‌ی غیرخطی بین این دو را نادیده گرفته‌اند.

۳. پیشینه‌ی پژوهش

والکر و همکاران (۲۰۰۱) رابطه‌ی تجربی بین مدت حسابداری و رسوایی مالی را بررسی کردند. برای این منظور ۱۱۰ شرکت آمریکایی که حداقل سال‌های ۱۹۸۰ الی ۱۹۹۱ دچار رسوایی مالی شده بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که بیش‌ترین رسوایی مالی در دوره‌ی ارتباط طولانی مدت بوده ولی بالاترین نرخ رسوایی مالی در دوره‌ی کوتاه مدت اتفاق می‌افتد. به دلیل این که نرخ رسوایی مالی در دوره‌ی طولانی مدت کم بود، محققان نتیجه گرفتند که چرخش مؤسسات حسابداری برای کاهش نرخ شکست‌های مالی لازم نیست.

ون استرلین (۲۰۰۰) به بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی ارتباط حسابرسان - صاحب‌کار و کیفیت حسابداری پرداخت. در این بررسی ارتباط بلندمدت بین حسابرسان و صاحب‌کار و رفتار حسابرسان مورد مطالعه قرار گرفت. برای انجام این تحقیق اطلاعات تأییدشده از بانک ملی بلژیک در طی سال‌های ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۶ گرفته شد. بر اساس اطلاعات موجود شرکت‌ها به دودسته تقسیم شدند؛ شرکت‌های تحت فشار مالی و شرکت‌های فاقد نیازهای مالی. نتایج بررسی نشان داد حسابرسان تمایل بیش‌تری به انتشار گزارش‌های غیر شفاف نسبت به سال قبل دارند؛ بنابراین دوره‌ی ارتباط بلندمدت علاقه‌ی حسابرسان را برای انتشار گزارش‌های معتبر کاهش می‌دهد.

با توجه به ملاحظات فوق مشخص می‌شود که چرخش مؤسسات حسابداری برای حفظ ارزش حسابداری برای استفاده‌کنندگان مناسب به نظر می‌رسد.

گیگر و راگوناندان (۲۰۰۲) به بررسی رابطه‌ی میان دوره‌ی ارتباط حسابرس - صاحب‌کار و اشتباهات حسابرسی پرداختند. هدف از این بررسی کشف رابطه‌ی بین دوره‌ی ارتباط حسابرس - صاحب‌کار و اشتباهات مندرج در گزارش حسابرسی بود. این دو محقق گزارش حسابرسی شرکت‌هایی را که در طی سال‌های ۱۹۹۶ الی ۱۹۹۸ در زمره‌ی اختلاس‌های بانک قرار گرفتند مورد آزمون قراردادند. نتایج بررسی نشان داد که در گزارش‌های حسابرسان جدید اشتباهات بیش‌تری یافت می‌شود. این نتیجه‌گیری به دلیل موقعیت حسابرسان است که شاید متأثر از سال اول فعالیت خود قرار گرفتند.

جانسون و همکاران (۲۰۰۲) رابطه‌ی بین صاحب‌کار و مؤسسه‌ی حسابرسی را با توجه به کیفیت گزارش‌های مالی بررسی کردند. این محققان در مطالعه‌ی خود ارتباط حسابرسان و شرکت‌ها را به سه دسته تقسیم کردند (کوتاه‌مدت کم‌تر از ۳ سال، میان‌مدت بین ۴ تا ۸ سال و بلندمدت بیش از ۹ سال است). با نمونه‌گیری از شرکت‌های بزرگ در طی سال‌های ۱۹۸۶ الی ۱۹۹۵ مشخص شد که بهبود در کیفیت گزارشگری دوره‌های کوتاه‌مدت بیش‌تر از دوره‌ی میان‌مدت است ولی چرخش مؤسسات حسابرسی نمی‌تواند به‌ترین راه‌حل باشد.

ناشوا (۲۰۰۴) تلاش کرد تا این مطلب که دوره‌ی ارتباط طولانی می‌تواند احتمال شکست‌های حسابرسی را افزایش دهد، اثبات کند. شکست ۹۰ شرکت آمریکایی در طول سال‌های ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۱ به سه بخش دعاوی قضایی، ورشکستگی و تحریم شده از سوی گروه بورس اوراق بهادار تقسیم‌بندی شد. نتایج بررسی وی نشان می‌دهد که اغلب شکست‌ها در طول سال‌های ابتدایی حسابرسی رخ می‌دهد. در طی سال‌های اخیر، ریسک رابطه‌ی میان حسابرس و صاحب‌کار افزایش یافته است. درنهایت محقق نتیجه می‌گیرد که نتایج بررسی‌های وی این فرضیه را که چرخش مؤسسات حسابرسی موجب بهبود کیفیت حسابرسی می‌شود، تأیید نمی‌کند.

دیویس و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های قبل و بعد از قانون ساربینز-آکسلی نشان دادند که توانایی شرکت‌ها برای استفاده از اقلام تعهدی برای پوشش سود پیش‌بینی‌شده‌ی تحلیل‌گران مالی طی سال‌های اولیه‌ی دوره‌ی تصدی حسابرسی کاهش (تأیید فرضیه‌ی تخصص حسابرس) و سپس افزایش (فرضیه‌ی استقلال حسابرس) می‌یابد و نقطه‌ی

تغییر نیز در حدود چهارده سال است.

لاندزمن و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق خود موضوع تغییر حسابرِس را در دوران قبل و بعد از ورشکستگی بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که با تغییر حسابرِس، مؤسسات حسابرِسی خواهان رعایت قانون ساربنیز اکسلی هستند و به عبارتی به دنبال همسویی منافع خود با منافع صاحب‌کار نیستند؛ اما این موضوع در مورد مؤسسات حسابرِسی بزرگ مصداق ندارد.

گول و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر تخصص حسابرِس در صنعت، بر رابطه‌ی بین دوره‌ی ابقای حسابرِس و کیفیت سود می‌پردازند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد رابطه‌ی بین دوره‌ی کوتاه‌مدت ابقای حسابرِس و کیفیت ضعیف‌تر سود برای صاحب‌کارانی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی می‌شوند نسبت به دیگران، ضعیف‌تر است.

دیانا و مقدا (۲۰۱۳) به بررسی ارتباط استقلال حسابرِسی، تغییر حسابرِس و کیفیت حسابرِسی پرداختند. تحقیق حاضر در مصر صورت گرفت و محققان به‌وسیله‌ی پرسشنامه‌ی طراحی‌شده، در بین چهار مؤسسه‌ی برتر مصر به سنجش تأثیر تغییر حسابرِس بر کیفیت و استقلال حسابرِسی پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که تغییر حسابرِس منجر به تقویت استقلال حسابرِس شده و درنهایت کیفیت حسابرِسی و کیفیت گزارشگری مالی و سود را بهبود می‌بخشد.

ریگان و اسچامیت (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر تغییر حسابرِس بر استراتژی مدیریت بنگاه پرداختند. در پژوهش حاضر محققان به بررسی تأثیر تغییر حسابرِس در سال قبل بر روی نحوه‌ی اجرای ۲۵ راهبرد پرداختند که مدیران برای حل‌وفصل مشکلات مالی می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. نتایج نشان می‌دهد که مدیران نسبت به حسابرسان جدید کم‌تر تعرض می‌کنند و بیش‌تر احساس نزدیکی به آن‌ها دارند. همچنین تغییر حسابرِس منجر به اجرای راهبردهای محافظه‌کارانه‌تری برای رفع مشکلات مالی می‌شود به‌گونه‌ای که سرمایه‌ی در گردش مثبتی برای بنگاه ایجاد کند. این مسئله منجر به کاهش اقلام تعهدی در سود می‌شود.

نتایج پژوهش نونهل و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر طول دوره‌ی تصدی حسابرِسی بر کیفیت اطلاعات حسابداری پرداخته و نشان می‌دهد که پایداری اقلام تعهدی برای

نمونه‌های با دوره‌ی تصدی حسابرسی طولانی‌تر بیش‌تر از شرکت‌های با دوره‌ی تصدی کوتاه‌مدت است.

کرمی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی تصدی حسابرسی و مدیریت سود در ۱۳۳ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۷۹ لغایت ۱۳۸۵ پرداختند. نتایج نشان داد که با افزایش دوره‌ی تصدی حسابرس، انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری افزایش و مدیران از این مدیریت سود برای اهداف منفی استفاده می‌کنند. لذا وجود رابطه‌ی طولانی‌مدت میان صاحب‌کار و حسابرس، باعث افزایش انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری می‌شود؛ اما این استفاده‌ی بیش‌تر برای کاهش سود (محافظه‌کارانه) است.

کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی تصدی حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری پرداختند. جامعه‌ی آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار بودند که بر اساس شرایط در نظر گرفته‌شده برای انتخاب نمونه، ۲۶۰ سال - شرکت طی دوره‌ی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تجزیه و تحلیل پانلی استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که بین اقلام تعهدی اختیاری و دوره‌ی تصدی حسابرس در کلیه‌ی شرکت‌های مورد مطالعه رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ لذا تعویض مؤسسات حسابرسی منجر به کاهش اقلام تعهدی و افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش رابطه‌ی دوره‌ی تصدی و تغییر حسابرس بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با استفاده از روش رگرسیون خطی چندگانه از نوع پانل به توصیف ارتباط بین تغییرات حسابرس و کیفیت سود محاسبه‌شده از مدل تعدیل‌شده کاسنیک می‌پردازد. روش‌شناسی پژوهش نیز از نوع پس رویدادی است، زیرا از اطلاعات واقعی گذشته استفاده‌شده است. اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی از نرم‌افزار ره‌آورد نوین تهیه و پس از مقایسه و حصول اطمینان از مطابقت آن‌ها

مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت با استفاده از نرم‌افزار اکسل متغیرهای تحقیق محاسبه و سپس در نرم‌افزارهای Stata و Eviews آزمون‌های لازم انجام شده است.

۴-۱. جامعه و نمونه‌ی پژوهش

جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه‌ی گروه‌های صنعت بورس اوراق بهادار تهران است که از سال ۱۳۸۲ لغایت ۱۳۹۴ در بورس فعال بوده‌اند. از کل شرکت‌هایی که در تاریخ انجام این تحقیق در بورس اوراق بهادار تهران به ثبت رسیده‌اند. در نتیجه‌ی اعمال شرایط و ملاحظات در نمونه‌گیری حذفی ۸۳ شرکت از جامعه‌ی آماری برای انجام آزمون فرضیه انتخاب شدند. دوره‌ی تحقیق ۱۴ سال متوالی است. چگونگی پراکندگی شرکت‌های نمونه در سطح صنایع مختلف، در نگاره زیر منعکس شده است.

نگاره ۱: نحوه‌ی تعیین نمونه‌ی آماری

تعداد	مراحل انتخاب نمونه
۵۱۶	کل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران
(۱۰۰)	در کلیه‌ی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ در بورس حضور نداشته باشند
(۸۸)	شرکت‌های واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ باشد
(۱۳۲)	سال مالی آن‌ها پایان اسفند نباشد و طی قلمرو تحقیق در دوره‌ی مالی تغییر داشته‌اند
(۱۱۱)	شرکت‌هایی که توقف معاملاتی بیش از ۶ ماه طی دوره زمانی تحقیق داشته باشند
(۲)	اطلاعات مورد نیاز شرکت مورد نظر در دسترس نباشد
۸۳	کل نمونه‌ی انتخابی

نگاره ۲: پراکندگی شرکت‌های نمونه در سطح صنایع

ردیف	عنوان صنعت	تعداد شرکت	درصد نمونه‌ی انتخابی
۱	مواد و محصولات دارویی	۱۴	۱۶,۸۷
۲	خودرو و قطعات	۱۰	۱۲,۰۵
۳	مواد و محصولات شیمیایی	۷	۸,۴۳
۴	سیمان، آهک و گچ	۶	۷,۲۳
۵	محصولات شیمیایی	۶	۷,۲۳
۶	فلزات اساسی	۵	۶,۰۲
۷	ماشین‌آلات و تجهیزات	۵	۶,۰۲
۸	سایر محصولات کانی غیرفلزی	۷	۸,۴۳
۹	استخراج کانی‌های فلزی	۳	۳,۶۱
۱۰	رایانه	۲	۲,۴۱
۱۱	غذایی به جز قند و شکر	۲	۲,۴۱
۱۲	لاستیک و پلاستیک	۲	۲,۴۱
۱۳	انواع فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی	۲	۲,۴۱
۱۴	خودرو و ساخت قطعات	۲	۲,۴۱
۱۵	فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت	۲	۲,۴۱
۱۶	ابزار پزشکی	۱	۱,۲۰
۱۷	پیمانکاری صنعتی	۱	۱,۲۰
۱۸	قند و شکر	۱	۱,۲۰
۱۹	کاشی و سرامیک	۱	۱,۲۰
۲۰	ساخت محصولات فلزی	۱	۱,۲۰
۲۱	استخراج سایر معادن	۱	۱,۲۰
۲۲	سایر ماشین‌آلات و دستگاه‌ها	۱	۱,۲۰
۲۳	منسوجات	۱	۱,۲۰
	مجموع	۸۳	۱۰۰

۲-۴. فرضیه‌های تحقیق

برای یافتن پاسخی به پرسش اصلی این تحقیق (رابطه‌ی دوره‌ی تصدی و تغییر حسابرس بر کیفیت سود)، این پژوهش شامل ۲ فرضیه‌ی اصلی به شرح زیر است:

(۱) بین دوره‌ی تصدی حسابرس و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌دار وجود دارد؛

(۲) بین تغییر حسابرس و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.

۳-۴. مدل پژوهش و متغیرهای تحقیق

برای آزمون فرضیه‌ی اصلی اول و دوم پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$ACCR_{i,t} = \theta_0 + \theta_1 TENURE_{i,t} + \theta_2 AUDIT_{i,t} + \theta_3 SIZE_{i,t} + \theta_4 LEV_{i,t} + \theta_5 S.G_{i,t} + \varepsilon$$

در این مدل:

$ACCR$ = اقلام تعهدی اختیاری حاصل از مدل کاسنیک

$TENURE$ = دوره‌ی تصدی حسابرس

$AUDIT$ = تغییر حسابرس

$SIZE$ = لگاریتم اندازه‌ی ارزش دفتری دارایی‌ها

LEV = اهرم مالی شرکت

$S.G$ = رشد فروش شرکت است.

متغیرهای اصلی این تحقیق شامل دوره‌ی تصدی حسابرس، تغییر حسابرس و کیفیت سود مدل تعدیل‌شده کاسنیک است که بر اساس گزارش‌های آمار معاملات بورس اوراق بهادار تهران و همچنین اطلاعات منعکس در صورت‌های مالی شرکت‌های مربوط محاسبه‌شده‌اند. لازم به ذکر است که با توجه به آزمون‌های اجراشده، این نتیجه حاصل گشت که در بین تمامی مدل‌ها، مدل تعدیل‌شده کاسنیک بیش‌ترین همبستگی را به دست می‌دهد؛ از این‌رو نتایج حاصل از مدل تعدیل‌شده‌ی کاسنیک در ادامه‌ی پژوهش آورده شده است.

این مدل از دو جنبه الگوی جونز را تعدیل می‌کند. اولین و اصلی‌ترین تعدیل وارد کردن تغییر در خالص وجه نقد ناشی از عملیات به‌عنوان یک متغیر مستقل است و شواهد تحقیقات تجربی اخیر نشان می‌دهد که ارقام تعهدی با تغییرات جریان‌های وجه نقد همبستگی منفی دارد که این موضوع احتمالاً به دلیل ماهیت الگوی حسابداری است (دچو، ۱۹۹۴)؛ بنابراین بخش موقت جریان‌های وجه نقد بر مجموع کل ارقام تعهدی تأثیری غیر اختیاری خواهد داشت که قسمتی از این جزء غیر اختیاری ارقام تعهدی را می‌توان با تعدیل کل ارقام تعهدی به‌اندازه‌ی تغییرات وجه نقد ناشی از عملیات شناسایی کرد.

دومین تغییر نسبت به الگوی جونز، سست کردن فرض برون‌زا بودن درآمدها است. شناسایی زمان‌بندی درآمدها روشی است که اغلب توسط مدیران برای مدیریت سودهای گزارش‌شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. حال اگر در طراحی الگو، درآمد عاملی برون‌زا تلقی شود که خارج از اعمال نظر مدیریت است، الگوی ارائه‌شده نخواهد توانست مدیریت سود را از طریق زمان‌بندی شناسایی درآمدها کشف کند و در نتیجه قدرت کشف مدیریت سود توسط الگو ضعیف خواهد بود. با پیروی از دچو و همکاران (۱۹۹۵) این مشکل را می‌توان با تعدیل متغیر درآمد به اندازه‌ی تغییرات در حساب‌های دریافتی تسکین کرد.

در این پژوهش دوره‌ی تصدی و تغییر حسابرس به‌عنوان متغیر مستقل و متغیر کیفیت سود به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

نگاره ۳: متغیرهای مستقل و وابسته‌ی پژوهش

متغیر وابسته	متغیر مستقل	
	تغییر حسابرس	دوره‌ی تصدی حسابرس
برای اندازه‌گیری کیفیت سود از معیار ارقام تعهدی اختیاری که با استفاده از مدل تعدیل‌شده کاسنیک محاسبه‌شده، استفاده‌شده است.	اگر مؤسسه‌ی حسابرسی در سال‌های بعد، مسئولیت حسابرسی شرکت مورد بررسی را پذیرفته باشد عدد صفر در صورت تغییر حسابرس از عدد یک استفاده می‌شود.	اگر دوره‌ی تصدی مؤسسه‌ی حسابرسی (بر شرکت تحت حسابرسی) ۴ سال و یا بیشتر باشد از عدد یک و در غیر این صورت از عدد صفر استفاده می‌شود.

برای محاسبه‌ی ارقام تعهدی و کیفیت سود از الگوی تعدیل‌شده‌ی کاسنیک که به صورت زیر است استفاده شده است:

$$ACCR_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 [\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t} + \Delta INV_{i,t}] + \alpha_2 PPE_{i,t} + \alpha_3 \Delta CFO_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

که در آن:

$ACCR$ = کل ارقام تعهدی

ΔREV = تغییر در درآمد از سال $t-1$ تا سال t

ΔREC = تغییر در خالص حساب‌های دریافتی از سال $t-1$ تا سال t

ΔINV = تغییر در موجودی مواد و کالا از سال $t-1$ تا سال t

PPE = ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t

ΔCFO = تغییر در جریان‌های وجه نقد عملیاتی از سال $t-1$ تا سال t

به منظور برازش الگوهای پیش گفته از رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود به این صورت که نخست به وسیله‌ی الگوی تعدیل‌شده‌ی کاسنیک، متغیر وابسته‌ی کیفیت سود محاسبه شده سپس با استفاده از برازش مدل اصلی این پژوهش، اثر واقعی متغیر مستقل بر متغیر وابسته سنجیده می‌شود. معنی‌داری ضرایب و الگو نیز با استفاده از آماره‌های مربوط مورد آزمون قرار گرفته که در نگاره‌های مربوط به یافته‌های تحقیق نشان داده شده است.

۵. نتایج پژوهش

۵-۱. آمار توصیفی

به منظور شناخت به تر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیش تر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری لازم است این داده‌ها توصیف شوند. همچنین توصیف آماری داده‌ها، گامی برای تشخیص الگوی حاکم بر آن‌ها و پایه‌ای برای تبیین روابط بین متغیرهایی است که در پژوهش به کار می‌روند؛ بنابراین قبل از این که به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شود، متغیرهای پژوهش به صورت خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرند. این نگاره حاوی شاخص‌هایی برای توصیف متغیرهای پژوهش است.

در تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها، نگاره (۴)، میانگین، ماکزیمم، مینیمم و انحراف معیار بررسی شده است.

نگاره ۴: آمار توصیفی داده‌ها

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	انحراف معیار	کم‌ترین	بیش‌ترین
اقدام تعهدی	Accrual	.۱۱۳۱	.۱۰۳۰	.۰۰۰۷	.۷۷۲۴
اندازه‌ی شرکت	SIZE	۱۳/۳۸	۱/۵۵	۹/۴۳	۱۸/۳۸
اهرم مالی	LEV	.۰۷۸۲	.۰۹۶۴	۰	.۷۹۲۲
رشد فروش	SG	.۲۲۴۶	.۴۰۲۴	-۰/۹۴۸۷	۷/۶۸

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده‌ی نقطه‌ی تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای اهرم مالی (LEV) برابر با (۰/۰۷۸۲) است که نشان می‌دهد بیش‌تر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. یا به عبارت دیگر میزان بدهی‌های شرکت‌های مورد بررسی نسبت به دارایی‌هایشان به‌طور میانگین برابر با ۷ درصد است. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر (LEV) برابر با (۰/۰۹۶۴) و برای متغیر (SIZE) برابر با (۱/۵۵) است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش، این دو متغیر به ترتیب دارای کم‌ترین و بیش‌ترین میزان پراکندگی هستند. همچنین با توجه به این‌که متغیرهای دوره‌ی تصدی حسابرس و تغییر مؤسسه‌ی حسابرسی، یک متغیر کیفی (صفر و یک) است، لذا نگاره توزیع فراوانی این متغیر طبق نگاره شماره‌ی ۴-۱ و ۴-۲ ارائه شده است:

نگاره ۱-۴: توزیع فراوانی متغیر دوره‌ی تصدی حسابرس

شرح	فراوانی	درصد فراوانی
دوره‌ی تصدی کمتر از ۴ سال	۶۴۹	۵۵/۸۵
دوره‌ی تصدی بیش از ۴ سال	۵۱۳	۴۴/۱۵
جمع کل	۱۱۶۲	۱۰۰

نگاره ۲-۴: توزیع فراوانی متغیر تغییر مؤسسه‌ی حسابرسی

شرح	فراوانی	درصد فراوانی
حسابرس در سال بعد تغییر نکرده	۹۵۹	۸۲/۵۳
حسابرس در سال بعد تغییر کرده	۲۰۳	۱۷/۴۷
جمع کل	۱۱۶۲	۱۰۰

دوره‌ی تصدی حسابرس عبارت است از تعداد شرکت‌هایی که حسابرس مستقر در آن‌ها چهار یا بیش از چهار سال در آن شرکت حسابرسی کرده است. آمار نمونه‌ها نشان می‌دهد ۵۱۳ شرکت - سال دارای حسابرسی هستند که بیش از چهار سال در آن یک حسابرس مستقر است. به عبارتی بیش از ۴۴ درصد شرکت‌های نمونه دارای حسابرسی هستند که تعداد سال‌های مستقر در آن‌ها چهار یا بیش از چهار سال است. تغییر حسابرس عبارت است از تغییر مؤسسه‌ی حسابرسی امضاءکننده‌ی گزارش حسابرسی در سال مالی بعد. آمار نمونه‌ها نشان می‌دهد ۲۰۳ شرکت حسابرس خود را در سال مالی جاری نسبت به سال مالی قبل تغییر داده‌اند. به عبارتی در حدود ۱۷ درصد از شرکت‌های نمونه تصمیم گرفته‌اند حسابرسان خود را در سال مالی جاری تعویض کنند.

۲-۵. آمار استنباطی

در این بخش برای بررسی و برآورد مدل کلی از تحلیل پانلی^۳ استفاده شده است. دلیل استفاده از این روش به علت نوع ماهیت داده‌هاست؛ زیرا در تحلیل پانلی داده‌ها به صورت مقطعی - زمانی^۴ گردآوری شده‌اند. قبل از تخمین مدل ابتدا باید آزمون‌های مربوط به آن را انجام

داد که این آزمون‌ها عبارت‌اند از آزمون تشخیص مدل (آزمون چاو) و آزمون اثرات ثابت یا تصادفی (آزمون هاسمن). نتیجه‌ی این آزمون‌ها در نگاره زیر به صورت خلاصه ارائه شده است:

نگاره ۵: آزمون تشخیص مدل (آزمون اثرات ثابت)

مدل مورد استفاده	نتیجه‌گیری	P-Value	آماره چاو
Panel	عرض از مبداها باهم نیستند	۰/۰۰	۳/۳۸

همان‌طور که مشاهده می‌شود با توجه به این‌که مقادیر P-Value کم‌تر از ۵ درصد است، فرضیه‌ی صفر مبنی بر برابری عرض از مبداها رد شده و برای آزمون فرضیه می‌بایست از روش پانل استفاده شود.

نگاره ۶: آزمون انتخاب آزمون اثرات ثابت و تصادفی

نتیجه‌گیری	P-Value	آماره هاسمن
اثر ثابت	۰/۰۰۰	۶۱/۹۶

با توجه به نگاره ۶، به منظور بررسی و اجرای آزمون رگرسیون از روش اثرات ثابت استفاده می‌شود.

نگاره ۷: نتایج حاصل از آزمون فرضیه با استفاده از مدل اصلی

مدل ریاضی			$ACCR_{i,t} = \theta_0 + \theta_1 TENURE_{i,t} + \theta_2 AUDIT_{i,t} + \theta_3 SIZE_{i,t} + \theta_4 LEV_{i,t} + \theta_5 S.G_{i,t} + \varepsilon$	
تعداد مشاهدات	۱۱۶۲	ضریب تعیین	۵۴ درصد	
تعداد مقاطع	۸۳	ضریب تعیین تعدیل شده	۵۰ درصد	
تعداد دوره	۱۴	آماره دوربین واتسون	۱/۹۶	
متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معنی‌داری
عرض از مبدا	۰/۲۲۷۹	۰/۰۲۷۴	۸/۳۰	۰/۰۰۰
TENURE _{it}	۰/۰۳۷۹	۰/۰۰۶۴	۵/۹۴	۰/۰۰۰
AUDIT _{it}	-۰/۰۱۵۵	۰/۰۰۵۸	-۲/۶۶	۰/۰۰۸
SIZE _{it}	-۰/۰۰۸۸	۰/۰۰۲۰	۴/۲۰	۰/۰۰۰
LEV _{it}	-۰/۱۲۵۲	۰/۰۲۳۸	-۵/۲۵	۰/۰۰۰
S.G _{it}	-۰/۰۰۳۹	۰/۰۰۶۲	-۱/۶۳	۰/۵۲۷

شرح آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری
آزمون ناهمسانی واریانس (والد تعدیل شده)	۱۱۴۷۸	/۰۰۰
آزمون تشخیص خودهمبستگی سریالی (والدریج)	۱۴/۳۷۷	/۰۰۰
آزمون تشخیص توزیع نرمال جملات اخلاص (جارکو برا)	۴/۹۴	/۰۸۴
آزمون تشخیص مانا بودن جملات اخلاص (لوین، لین و چو)	۱۷/۷۱	/۰۰۰
مقدار آماره معناداری کل مدل (والد)	۹۸/۸۳	/۰۰۰

۱-۲-۵. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

همان‌گونه که از نگاره فوق مشاهده می‌شود بین $ACCRI_{it}$ و $TENURE_{it}$ ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد؛ به عبارتی با افزایش میزان دوره‌ی تصدی حساب‌برسان بر میزان اقلام تعهدی افزوده‌شده و از کیفیت سود کاسته می‌شود. هرچه میزان اقلام تعهدی در صورت‌های مالی کاسته شود تفاوت بین سود عملیاتی و جریان نقدی عملیاتی کم می‌شود. در نتیجه سود از کیفیت مطلوب‌تری برخوردار خواهد بود و بالعکس با افزایش میزان دوره‌ی تصدی حساب‌برسان بر مقادیر اقلام تعهدی افزوده می‌شود و در نتیجه کیفیت سود کم می‌شود. این ارتباط از لحاظ آماری معنادار است زیرا اولاً مقدار t به دست آمده بزرگ‌تر از مقدار متناظر آن در نگاره است و همچنین P -Value محاسبه‌شده در این متغیر نیز کمتر از ۵ درصد است. لذا فرضیه‌ی اول پژوهش پذیرفته می‌شود، یعنی بین دوره‌ی تصدی حساب‌برس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

یکی از موضوعات مهمی که در اقتصادسنجی به آن برخورد می‌کنیم، موضوع ناهمسانی واریانس است. ناهمسانی واریانس به این معناست که در تخمین مدل رگرسیون مقادیر جملات خطا دارای واریانس‌های نابرابر هستند. مشکلات ناهمسانی واریانس منجر به افزایش واریانس ضرایب برآوردی عرض از مبدأ می‌شود و از طرفی واریانس سایر متغیرهای مستقل برآوردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به این می‌شود که تخمین برآوردی از کارایی لازم برخوردار نباشد. در این پژوهش به منظور بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس در بین اجزای اخلاص، از آزمون والد تعدیل‌شده استفاده شده است که سطح معناداری این آزمون برای مدل اولیه (مدل قبل از رفع ناهمسانی واریانس) برابر با /۰۰۰ بود که بیانگر وجود ناهمسانی

واریانس در مدل است. لازم به ذکر است که این مشکل در تخمین نهایی مدل رفع شده است. یکی از مفروضاتی که در رگرسیون مدنظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه‌ی استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. به منظور بررسی استقلال خطاها در حالت داده‌های تابلویی از یکدیگر از آزمون وولدریج استفاده می‌شود. سطح معناداری این آزمون نیز برای مدل اولیه برابر با ۰/۰۰۰ است که بیانگر وجود خودهمبستگی بین اجزای اخلاص است. چنانچه بیان شد تخمین نهایی مدل پس از رفع ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی است به طوری که در تخمین اولیه ضریب تعیین برابر با ۹ درصد و دوربین واتسون برابر با ۱/۲۶ است ولی در تخمین نهایی ضریب تعیین برابر با ۵۰ درصد و دوربین واتسون برابر با ۱/۹۹ است که بیانگر بهبود مدل و رفع خودهمبستگی سریالی است.

ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۵۰ درصد است، بیانگر این مطلب است که متغیر وابسته ۵۰ درصد به متغیرهای مستقل موجود در مدل وابسته بوده و ۵۰ درصد به سایر متغیرها وابسته است که در مدل فوق در نظر گرفته نشده‌اند. سطح معنی‌داری آماره والد (۹۸/۸۳) برابر با ۰/۰۰۰ بوده و کم‌تر از ۵ درصد است؛ بنابراین می‌توان گفت که مدل در حالت کلی معنی‌دار است.

یکی دیگر از مفروضات رگرسیون خطی، مانا بودن تک‌تک متغیرها است و در صورت مانا نبودن متغیرها، یک روش برای مانا کردن متغیرها، تفاضل‌گیری است ولی به علت از دست دادن داده‌ها در این روش، اجزای اخلاص مدل اجرا شده را از نظر مانا بودن مورد بررسی قرار می‌دهیم. چنانچه ملاحظه شود که اجزای اخلاص مانا هستند دیگر نیازی به مانایی تک‌تک متغیرها نخواهد بود و اذعان می‌شود که مدل به صورت هم‌جمعی مانا است. در این پژوهش سطح معناداری آزمون لوین، لین و چو برابر با ۰/۰۰۰ است که بیانگر مانا بودن مدل به صورت هم‌جمعی است.

سطح معناداری آزمون جارکو برا برای جملات اخلاص نیز بیش از ۵ درصد بوده و بیانگر نرمال بودن توزیع جملات اخلاص است.

۲-۲-۵. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

بین $AUDIT_{it}$ و $ACCR_{it}$ ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش میزان تغییر در حسابرس از میزان ارقام تعهدی کاسته می‌شود و با کاهش ارقام تعهدی بر میزان کیفیت سود افزوده می‌شود و بالعکس. مفهوم این ارتباط به این شکل است که هرچه تغییرات در حسابرس افزوده شود احتمال وجود استقلال و بی‌طرفی بیش‌تر است. در نتیجه حسابرسان گزارش‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم و تهیه می‌کنند که در آن هرگونه دست‌کاری سود توسط شرکت گزارش می‌شود. این ارتباط از لحاظ آماری معنادار است؛ زیرا اولاً مقدار t به‌دست‌آمده بزرگ‌تر از مقدار متناظر آن در نگاره است و همچنین P -Value محاسبه‌شده در این متغیر نیز کم‌تر از ۵ درصد است. لذا فرضیه‌ی دوم پژوهش پذیرفته می‌شود، یعنی بین تغییر حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی تصدی و تغییر حسابرس با کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس مدل کاسنیک است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بین دوره‌ی تصدی حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد. لازم به ذکر است که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های بزرگ اصل و شایسته‌مند (۱۳۹۰) و کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۱) که حاکی از وجود رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین ارقام تعهدی (اختیاری) و دوره‌ی تصدی حسابرس است، همسو است. همچنین یکی دیگر از نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین تغییر حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های ریگان و بریتنی (۲۰۱۴) و دیانا و مقدا (۲۰۱۳) که نشان دادند تغییر حسابرس منجر به افزایش کیفیت سود می‌شود، همسو است.

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل حاکی از آن است که تغییر حسابرس و کاهش دوره‌ی تصدی حسابرس منجر به بهبود کیفیت سود حسابداری می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که باید

سیاست چرخش مؤسسات حسابرسی برای افزایش کیفیت حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران موردقبول واقع شود؛ زیرا چرخش مؤسسات حسابرسی منجر به تغییر حسابرس شده و در نتیجه دوره‌ی تصدی حسابرس در بنگاه یا صاحب‌کار کاهش می‌یابد. کاهش دوره‌ی تصدی حسابرس این فرصت را به حسابرس می‌دهد تا استقلال و شایستگی خود را حفظ کند و در نهایت کیفیت حسابرسی‌ها را بهبود ببخشد. لذا حسابرس مستقل و شایسته‌ی رویه‌های حسابداری و وضعیت بنگاه، رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی مدیریت را بررسی و کنترل کرده، مدیریت سود را تعدیل و کاهش می‌دهد و در نهایت کیفیت سود بهبود می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که کاهش دوره‌ی تصدی حسابرسی و تغییر حسابرس منجر به بهبود روش‌های حسابرسی شده و در نهایت کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد.

۱-۶. پیشنهادهای ناشی از یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل شده در طی انجام تحقیق، به سرمایه‌گذاران، مدیران بنگاه‌ها و مالکان شرکت‌ها پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود تا در فرایندهای تصمیم‌گیری‌شان خطاهای کم‌تری داشته باشند:

۱. به سرمایه‌گذاران، سهامداران و تحلیلگران پیشنهاد می‌شود در هنگام ارزیابی صورت‌های مالی بنگاه‌ها به سودهای شرکت‌هایی توجه کنند که سال قبل حسابرسشان تغییر یافته است؛ زیرا نتایج نشان داده که تغییر حسابرس منجر به بهبود کیفیت سود و در نتیجه افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود؛

۲. به مدیران پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش اطمینان بخشی از صورت‌های مالی به سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان، تا جایی که ممکن است دوره‌ی تصدی حسابرس را کاهش دهند و حسابرسان خود را در دوره‌های محدود تغییر دهند تا کیفیت گزارشگری مالی افزایش یابد؛

۳. به مالکان بنگاه‌ها پیشنهاد می‌شود که نسبت به دوره‌ی تصدی حسابرس مستقل در بنگاه حساس باشند و به صورت مستقیم و از طریق بازوی هیئت‌مدیره نسبت به تعدیل دوره‌ی تصدی حسابرس اقدام کنند؛ زیرا این اقدام منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی و در نهایت

سود حسابداری می‌شود که آن‌ها بایستی در راستای ارزیابی عملکرد مدیران به آن استناد کنند.

۲-۶. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

- با توجه به اهمیت کیفیت سود و همچنین اثرات مهم دوره‌ی تصدی حسابرِس، موضوعاتی به شرح زیر برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:
۱. بررسی تأثیر دوره‌ی تصدی حسابرِس بر رفتار سرمایه‌گذاران؛
 ۲. بررسی ارتباط بین مدت تصدی حسابرِس و استقلال ظاهری حسابرِس و برداشت از کیفیت حسابرِسی (ارزیابی واکنش بازار)؛
 ۳. تعیین کیفیت سود با استفاده از مدلی غیر از مدل تعدیل‌شده‌ی کاسنیک و بررسی رابطه‌ی آن با تغییر حسابرِس و دوره‌ی تصدی حسابرِس؛
 ۴. بررسی ارتباط بین مدت تصدی شریک حسابرِسی و یا گروه رسیدگی‌کننده با کیفیت حسابرِسی و کیفیت سود؛
 ۵. تفکیک و بررسی اثرات مدت تصدی حسابرِس در دوره‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت.

یادداشت‌ها

1. Expertise Hypothesis
2. Independence Hypothesis
3. Panel Analysis
4. Cross section-Time Series

منابع

الف. فارسی

- ای. سی. لیتلتن (۱۳۸۰). *ساختار تئوری حسابداری*. ترجمه‌ی حبیب‌اله تیموری. انتشارات سازمان حسابرِسی، تهران.
- بزرگ اصل، موسی و شایسته مند، حمیدرضا (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین مدت تصدی حسابرِس و مدیریت سود. *فصلنامه‌ی بورس اوراق بهادار*، ۱۳ (بهار ۹۰)، سال چهارم: ۲۱۳-۲۳۳.

پورحیدری، امید و بدری خیره مسجدی، احد (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین چرخش مؤسسات و شریک حسابرس با کیفیت حسابرسی و تعدیلات سنواتی. *مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۶۵: ۱-۲۳.

خدادادی، ولی؛ حاجی‌زاده، سعید و قربانی، رامین (۱۳۹۲). نقش نظارتی حسابرس و سیاست‌های تقسیم سود شرکت‌ها. *مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۶۴: ۱۱۳.

سجادی، سید حسین؛ فرازمنده، حسین و قربانی، صادق (۱۳۹۱). تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی. *مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۸۱-۱۰۹: (۱)۴.

عزیزخانی، مسعود و صفروندی، علی (۱۳۹۱). بررسی تأثیر طول دوره‌ی تصدی حسابرسی بر خطای سود پیش‌بینی‌شده در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۹ (۳): ۶۱-۷۸.

کرمی، غلامرضا؛ بذرافشان، آمنه و محمدی، امیر (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی تصدی حسابرس و مدیریت سود. *مجله‌ی دانش حسابداری*، ۲(۴): ۶۵-۸۲.

کاشانی پور، محمد؛ مران جوری، مهدی و مشعشعی، سید محم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی تصدی حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری. *دهمین همایش ملی حسابداری ایران*، ۳ و ۴ خرداد ۱۳۹۱، دانشگاه الزهرا.

مهرانی، ساسان؛ مشایخی، بیتا؛ مهرانی، کاوه و کرمی، غلامرضا (۱۳۸۴). نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۴۲: ۶۱-۷۴.

نمازی، محمد؛ بایزیدی، انور و جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه‌ی تحقیقات حسابداری*، ۳ (۹): ۴-۱۲.

نونهال نهر، علی‌اکبر؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید و یعقوب پور، کریم (۱۳۸۹). رابطه‌ی بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۷ (۱): ۷۰-۵۵.

ب. انگلیسی

- Barker, R. (2010) On the definitions of income, expenses and profit in IFRS. *Accounting in Europe*, 7 (2). pp. 147-158.
- Behn, B. K., Choi, J. H., & Kang, T. (2008). Audit quality and properties of analyst earnings forecasts. *The Accounting Review*, 83(2), 327-349.
- Davis, R., Soo, B., & Trompeter, G. (2009). Auditor tenure and the ability to meet or beat earnings forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 26 (2), 517-548.
- Diana, M., & Magda, H. (2013). Auditor independence, audit quality and the mandatory auditor rotation in Egypt. *Education, Business and Society: Contemporary Middle Eastern Issues*, 6 (2), 116-144.
- Dechow, P. (1994). Accounting earnings and cash flows as measures of firm performance: The role of accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 18, 3-42.
- Dechow, P., Sloan, R., & Sweeney, A. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70, 193-226.
- Geiger M. A., & Raghunandan, K. (2002). Auditor tenure and audit reporting failures. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 21 (1), 68-78.
- Gul, F. A., Fung, S. Y., & Jaggi, B. L. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors, industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47 (2), 265-287.
- Stolowy, H., & Breton, G. (2004). Accounts manipulation: A literature review and proposed conceptual framework. *Review of Accounting and Finance*, 3(1), 5-66.
- Johnson V. E., Khurana, I. k., & Reynolds, J. k. (2002). Audit-firm tenure and the quality financial reports. *Contemporary Accounting Research*, 19 (4), 637-660.
- Landsman, W. R., Nelson, K. K., & Rountree, B. R. (2009). Auditor switches in the pre-and post-Enron eras: Risk or realignment. *The Accounting Review*, 84 (2), 531-558.
- Mansi, S. A., Maxwell, W. F., & Miller, D. P. (2004). Does auditor quality and tenure matter to investors? Evidence from the bond market. *Journal of Accounting Research*, 42 (4), 755-793.
- McNichals, M. (2002). Discussion of the quality of accruals and earnings. The role of accruals estimations errors. *The Accounting Review*, 76,

342-359.

- Myers, J. N., Myers, L. A., & Omer, C. T. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review*, 78 (3), 779-799.
- Nashwa, G. (2004). Auditor rotation and the quality of audit. *The CPA Journal*, 74(December), 22-26.
- Regan, N., & Schmidt, E. (2014). The effects of auditor rotation on client management's negotiation strategies. *Managerial Auditing Journal*, 29(2), 110-130.
- Vanstraelen, A. (2000). Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality. *The European Accounting Review*, 10 (2), 419-442.
- Walker, P. L., Lewis, B. L., & Casterella, J. R. (2001). Mandatory auditor rotation: Arguments and current evidence. *Accounting Enquiries*, 10(2), 209-242.

